

ابعاد اجتماعی مدیریت بهره‌برداری از مرتع در ایران
(با تاکید بر استانهای فارس و کهگیلویه و بویراحمد)

مصطفی ازکیا

دانشیار دانشکده علوم اجتماعی

دانشگاه تهران

چکیده

تهیه و اجرای طرحهای مرتعداری به عنوان یک سیاست واحد مدیریت اصولی بهره‌برداری از مراتع توسط سازمان جنگلها و مراتع کشور به مرحله اجرا درآمده است. از مشخصات بارز این طرحها، مطالعه و برنامه‌ریزی مجموعه منابع طبیعی موجود در محدوده طرح در فرایند توسعه پایدار است.

بررسی نشان می‌دهد که در تعیین حد مطلوب و واگذاری مرتع به ابعاد معیشتی و رفاهی دامدار و پتانسیلهای تولید در مرتع توجه کافی به عمل نمی‌آید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که هر چه تعداد اعضاء طرحهای مرتعداری کم باشد، توفیق فنی طرحها بیشتر است. طرحهای مرتعداری که بر اساس اصول خویشاوندی و دودمانی استوار است از قوام بیشتری در مقایسه با طرحهای مرتعداری مشاعی برخوردار هستند.

واژگان کلیدی: مرتعداری، بهره‌برداری، منابع طبیعی، توسعه پایدار، حقوق انتفاع، خویشاوندی، مرتع مشاع.

۱- مقدمه

۱-۱- طرح مسأله

مرتع و دامداری متکی به آن، از دیرباز نقش مهمی در اقتصاد و اشتغال کشور داشته است. در شرایط موجود نیز ۹۰ میلیون هکتار از اراضی کشور به صورت مرتع مورد استفاده دامداران عشایری و روستایی کشور قرار دارد.

سالیانه بالغ بر ۲۵۰ هزار تن از تولید گوشت کشور از طریق تعلیف مستقیم دام در مراتع طبیعی تأمین می‌شود. علاوه بر این پوشش گیاهی موجود عامل اساسی در حفظ منابع آب و خاک و جلوگیری از بیابان زایی در پهنه کشور است (حسینی عراقی، ۱۳۷۴).

متأسفانه بهره‌برداری مداوم از مراتع، بدون رعایت اصول اساسی پایداری این منبع و به ویژه در اثر افزایش بی‌رویه دام به جهت تأمین نیازمندی‌های فزاینده جمعیت رو به افزایش کشور، در نیم قرن گذشته صورت گرفته و نیز برداشتهای بی‌رویه و بیش از ظرفیت تولیدی از مراتع در دهه‌های اخیر، روند تخریبی را بر این منابع پایه حیاتی حاکم کرده و بقای آن را به مخاطره انداخته است.

با پیروزی انقلاب اسلامی، اقداماتی برای جلوگیری از تخریب مراتع و حفظ منابع طبیعی صورت گرفت. بنابر اصل چهل و پنجم قانون اساسی، جنگلها، نزارها، بیشه‌های طبیعی و مراتعی که در حریم روستا قرار ندارند، جزء انفال و ثروتهای عمومی طبقه‌بندی شده و در اختیار حکومت جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند تا طبق مصالح جامعه نسبت به آنها عمل شود (قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل ۴۵).

از زمره هدفها و سیاستهای بخشی در زمینه منابع طبیعی، بهره‌برداری معقول و مطلوب از منابع طبیعی تجدید شونده (جنگل و مرتع) در جهت حفظ، احیا و توسعه این منابع به منظور حمایت و استمرار تولیدات کشاورزی، صنعتی و حفظ تعادل طبیعی کشور، اعلام شده است. به منظور تحقق این هدفها و جلب مشارکت بهره‌برداران در امر حراست و احیای مراتع، سازمان جنگلها و مراتع کشور، تهیه و اجرای طرحهای مرتعداری را به عنوان سیاست واحد مدیریت اصولی مراتع انتخاب کرده و توان و تلاش خود را در راه اجرای طرحهای مرتعداری در سطح مراتع کشور و تعیین تکلیف وضع حقوق انتفاع و مالکیت در مراتع و برنامه‌ریزی برای احیا و بازسازی مراتع و جلب مشارکت بهره‌برداران در این زمینه به کار برده است. از مشخصات بارز این طرحها مطالعه و برنامه‌ریزی مجموعه منابع طبیعی موجود در محدوده هر طرح، در

فرایند توسعه پایدار است، به نحوی که ضمن فراهم کردن امکان حفاظت و احیای مراتع، شرایط بهره‌برداری مستمر از این منابع فراهم گردد. به همین منظور در چارچوب قرار دادهای واگذاری بهره‌برداری از عرصه طرحها در یک دوره سی ساله، حقوق انتفاع دامداران دارای عرف و نسق در مراتع کشور، تثبیت و تسجیل گردید. بنابراین، انجام این شیوه کار، ضمن ایجاد اطمینان علاقه بیشتر در دامداران برای بهره‌برداری بهینه، خدمات فنی و آموزش و حمایت‌های مالی در نظام بانکی برای مجریان طرحها پیش‌بینی شده است. (اکبر مهرابی، ۱۳۷۴)

دستاوردهای عملیاتی اجرای این سیاست در طول برنامه پنج ساله اول توسعه کشور، شایان توجه است. در حال حاضر حدود ۹/۲ میلیون هکتار از مراتع کشور زیر پوشش این سیاست مدیریتی و اجرایی قرار گرفته است. (حسن معین‌الدین، طرحهای مرتعداری در برنامه اول توسعه) آنچه در این بررسی مورد نظر است، ارزیابی ابعاد اجتماعی مدیریت مرتع در قالب طرحهای مرتعداری در استانهای فارس و کهگیلویه و بویر احمد است.

۱-۲- هدفهای پژوهش

آنچه تحت عنوان «ابعاد اجتماعی مدیریت بهره‌برداری از مراتع» ارائه می‌گردد، حاصل قسمتی از مطالعات مربوط به «بررسی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و فنی طرحهای مرتعداری» در استانهای مذکور است. هدفهای مورد نظر در مقاله حاضر، بررسی و شناخت عوامل اجتماعی - روانشناختی مؤثر بر بقا و استمرار و طرحهای مرتعداری است.

در این بررسی ابعاد اجتماعی زیر مورد توجه است:

- بررسی و شناخت ابعاد جمعیتی، مناسبات اجتماعی، مالکیت و حق انتفاع در بهره‌برداری از مراتع.

- بررسی ابعاد روانشناختی اجتماعی و مشارکت گروهی مرتعداران و بررسی نظرگاه، ایستارها و نگرشهای آن.

- بررسی تشکلهای سنتی در بهره‌برداری از مراتع در دو منطقه مذکور

۱-۳- روش مطالعه

به منظور بررسی ویژگیهای اجتماعی مدیریت بهره‌برداری از مراتع از روشهای زیر بهره گرفته شده است

(ازکیا - حجاران ۱۳۷۴)

۱-۳-۱- روش مشاهده مستقیم و مشاهده مشارکتی

به منظور بهره‌گیری از این روش سعی شده است که در مناطق مورد بررسی از کارشناسان و صاحب نظرانی که سالیان متمادی در این جوامع زندگی کرده‌اند، بهره‌گرفته شود. نتایج حاصل از این شیوه مطالعه در مباحث مربوط به مالکیت و حق انتفاع، تشکلهای سنتی در بهره‌برداری از مراتع استفاده شده است.

۱-۳-۲- روش مطالعه و بررسی موردی^۱

به منظور آگاهی از ویژگیهای قوم شناسی و خصوصیات روان شناختی اجتماعی جوامع مورد بررسی تعداد قابل ملاحظه‌ای از اعضای طرحهای مرتعداری به طور ژرفایی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

۱-۳-۳- روش پیمایش^۲

به منظور بررسی و ارزیابی اجتماعی طرحهای مرتعداری در مناطق مورد مطالعه، تعداد ۶۰ طرح مرتعداری بر اساس متغیرهای گوناگون به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده چند مرحله‌ای انتخاب و سپس در هر طرح با یک نفر مصاحبه شد. انتخاب افراد مصاحبه شونده به نحوی بوده است که بتواند ویژگیهای اقتصادی اجتماعی و جمعیتی طرح مورد نظر را منعکس سازد.

۱-۳-۴- جامعه آماری

جامعه آماری مورد مطالعه مرکب از اعضای ۱۵۵ طرح و مرتعداری در استان فارس و ۸۳ طرح مرتعداری در استان کهگیلویه و بویر احمد است که جمعاً ۲۸۶ خانوار از عضو با جمعیتی قریب ۱۸۹۲ نفر را در برمی‌گیرد.

یادآور می‌شود که به منظور شناخت ویژگیهای اجتماعی این طرحها و خانوارهای تحت

پوشش آنها، تعداد ۶۰ طرح مرتعداری دو استان به عنوان جامعه نمونه به روش زیر انتخاب و مطالعه شده است* (بخش تحقیقات روستایی، بررسی اجتماعی، اقتصادی و فنی طرحهای مرتعداری، مجلدات ۱ و ۲).

۱-۳-۵- روش نمونه گیری

در چارچوب عملیات نمونه گیری، نخست طرحهای مرتعداری اجرا شده در دو استان، با توجه به متغیرهای زیر، گروه بندی شدند:

- ۱- الگوی زیست غالب (روستایی، عشایری و مختلط)
 - ۲- شکل واگذاری طرحهای مرتعداری (فردی و جمعی)
 - ۳- انواع تشکل (فردی، تعاونی، مشاعی)
 - ۴- طیف بندی اعضا
 - ۵- پراکنش بر حسب تقسیمات سیاسی
 - ۶- نوع مرتع (مشجر، غیرمشجر، نیمه مشجر، بیلاقی و قشلاقی)
 - ۷- وسعت مراتع
 - ۸- تعداد اعضای طرح
 - ۹- نوع کاربریهای زمین در قلمرو مراتع تحت پوشش طرح (وجود یا عدم وجود اراضی زراعی آبی و دیمی)
 - ۱۰- نوع فراورده های مرتعی
 - ۱۱- گروههای قومی عضو طرح
 - ۱۲- تعداد دام اعضا
 - ۱۳- زمان تصویب و اجرای طرح.
- پس از تهیه فهرستی از کلیه طرحهای تصویب شده، اجرا شده و در دست اجرا، برحسب

* - هر یک از طرحهای مرتعداری معمولاً از ۱ تا ۴۷ عضو که دارای نسق و سامان عرفی در عرصه مراتع است، تشکیل شده است. از این رو در این بررسی ۶۰ خانوار مرتعدار عضو با جمعیتی بالغ بر ۳۹۸ نفر به عنوان جامعه نمونه بررسی شده اند.

متغیرهای ۱۳ گانه و مسائل فنی با استفاده از روش آماری نمونه گیری چند متغیره، تعداد ۶۰ طرح مرتعداری در دو استان مورد مطالعه، انتخاب شدند. سپس در هر یک از طرحهای نمونه که از ۱ تا ۴۷ خانوار را در بر می گرفته است منابع و عوامل تولید در اختیار هر خانوار عضو طرح شامل تعداد انواع دام (به تفکیک گوسفند و بز و گاو) مقدار زمین (آبی و دیم) تعداد ماشینها و ابزارهای کشاورزی، تعداد وسایل موتوری سبک و سنگین به تفکیک هر طرح در مناطق مورد مطالعه مشخص شده، سپس در طرحهای مرتعداری یک نفره، تنها عضو طرح که مسئول طرح نیز بوده است، جهت بررسی اجتماعی به عنوان خانوار نمونه انتخاب شدند و در طرحهای دارای چند نفر عضو، به منظور انتخاب خانوار نمونه ای که معرف گویای وضعیت اقتصادی سایر اعضا باشد، خانواری جست و جو شده است که درآمد وی برابر متوسط درآمد خانوارهای عضو باشد. به این منظور ابتدا با توجه به درآمد خالص ناشی از هر واحد از هر یک از منابع و عوامل تولید کلیه منابع و عوامل تولید، کلیه منابع و عوامل متعلق به هر یک از خانوارهای عضو هر طرح به شاخص گوسفندی تبدیل شد. به این ترتیب نمونه انتخاب شده برای مصاحبه، مرتعداری بود که میزان عایدات او از منابع ذکر شده به متوسط درآمد در هر یک از طرحهای مرتعداری نزدیک بوده باشد.

همچنین به منظور ارزیابی فنی طرحهای مرتعداری نمونه و شناخت پیشرفت فیزیکی عملیات اصلاحی در آنها و تعیین نقاط قوت و ضعف طرحهای اجرا شده با هدف دستیابی به راه‌حلهای منطقی و عملی برای حل مشکلات فنی موجود، ارزشیابی طرحها بر اساس شش شاخص اصلی فنی به شرح زیر، مورد بررسی قرار گرفت:

- ۱- وضعیت تپهای گیاهی در مراتع مورد مطالعه.
- ۲- گرایش تپهای مرتعی و تغییرات حاصل
- ۳- تغییرات حاصل از ظرفیت تولید علوفه و ظرفیت دامی مراتع
- ۴- تغییرات حاصل در پوشش حفاظتی خاک
- ۵- چگونگی اعمال اصول مدیریت مرتع و هدایت چرای دام در مراتع
- ۶- میزان پیشرفت کمی و کیفی برنامه‌های اصلاح و احیای مراتع پیش‌بینی شده

در این بخش از مطالعه با استفاده از روش شاخص‌سازی^۱ که برای نخستین بار در مطالعات مرتع به کار گرفته شده به امتیازبندی و وزن قایل شدن^۲ عامل‌های ششگانه اشاره شده مبادرت گردیده و براین اساس جدول‌های امتیازی برای هر یک از طرح‌های ۶۰گانه مورد بررسی تهیه و تنظیم شده است، و از این طریق سرانجام طرح‌های مورد مطالعه در مقوله‌های عالی، خوب، متوسط، ضعیف و خیلی ضعیف درجه‌بندی و عوامل اجتماعی در زمینه کیفیت مرتع، تجزیه و تحلیل شده‌اند.

۲- مبانی نظری

در بررسی جنبه‌های اجتماعی - روانشناختی طرح‌های مرتعداری، بخصوص برای سنجش برخی از متغیرهای اجتماعی - روانی نظیر مشارکت، میل به کارگروهی، انگیزه پیشرفت، میل به نوپذیری، رضامندی شغلی و نظائر آن، که از عناصر خرده فرهنگ دهقانی و عشایری به شمار می‌آیند و نیز بررسی مکانیزم‌ها و راه‌های مشارکت مرتعداران در امور مربوط به طرح‌های مرتعداری، به ویژه استفاده از روش‌های ترویج گروهی و تکیه بر کاربرد پویایی شناسی گروهی^۳ در تشکلهای مرتعداری و اداره‌گردهماییهای گروه‌های کوچک مرتعدار، بحث‌های نظری حول سه محور اصلی مشارکت، عناصر خرده فرهنگ دهقانی و عشایری و پویایی شناسی گروهی متمرکز است.

توجه به این سه محور از آن جهت اهمیت دارد که اولاً برای مرتعداران در طرح‌های مرتعداری، که به عنوان بهره‌برداران این برنامه توسعه‌ای به شمار می‌آیند، مشارکت به منظور نیل به توسعه خود اتکا و درون‌زا و مهمتر از همه توسعه خودیار امری لازم و گریزناپذیر است. از این رو مشارکت مرتعداران برای قرین موفقیت ساختن طرح‌های مرتعداری حائز اهمیت است. ثانیاً در هر نوع برنامه‌ریزی توسعه، اعم از اینکه آن برنامه در سطح ملی و منطقه‌ای باشد یا در سطح ملی، شناخت بهره‌برداران آن برنامه و مردمی که به گونه‌ای متأثر از اجرای آن برنامه‌های هستند، به ویژه وقوف به جنبه‌ها و ابعاد روانی - اجتماعی آنان، وجهه نظر‌ها و عادات و

1 - Index Construction

2 - Weightening

3 - Group Dynamics

آرایشان، برای توفیق آن برنامه‌ها اهمیت اساسی دارد.

بسیاری از صاحب‌نظران مسائل توسعه، انگیزه‌ها، ارزشها، باورها و نگرشهای عشایر و دهقانان را از عناصر اصلی خرده فرهنگ روستایی دانسته و آنها را به عنوان کلیدی جهت درک رفتار این گروهها به شمار آورده‌اند. آنچه در سراسر بحث این صاحب‌نظران به چشم می‌خورد این است که اجرای هرگونه برنامه توسعه روستایی و عشایری باید نخست به شناخت باورها، اعتقادات، خلق و خو و روحیه و نیز نگرشهای مردم مناطقی که این برنامه‌ها در آنجا اجرا می‌شود، مبادرت گردد. مثلاً شناخت اینکه روستایی یا دامدار چقدر سرنوشت گراست؟ یا چه اندازه میل به کارگروهی دارد؟ و یا اینکه آیا در او انگیزه نوپذیری و پیشرفت بالاست و چقدر مشارکت جوست و مواردی از این قبیل کمک می‌کند که برنامه‌ریزان توسعه با ذهنی باز و حقیقت‌جو برنامه‌های خود را سازماندهی کنند. وانگهی بررسی مکانیسم‌ها و راههای شرکت دادن مرتعداران در طرحهای مرتعداری، ضرورت توجه به مباحث پویایی‌شناسی گروه و روشهای گروهی ترویج را ایجاب می‌کند. توجه به پویایی‌شناسی گروه از آن جهت اهمیت دارد که پویایی‌گروهها، همچون روانکاوی، در جست و جوی ایجاد تغییر در افراد به منظور افزایش توان انطباق آنان با زمینه، محیط و شرایط جدید است. پویایی‌شناسی گروه به سبب جنبه دخالت‌گرایی خود که هدف آن انجام یک دگرگونی، در اشخاص و سازمانهای اجتماعی است، همچون یک روش افزایش بهره‌وری خودنمایی می‌کند. در گروه و در چارچوب روابط بین شخصی^۱ در گروه است که شخصیت افراد رشد می‌کند و بی‌نظمیهای رفتاری، عوامل توقف و بازدارنده با توجه به روابط متقابل و ارتباط با دیگران قابل تشخیص و تعریف می‌شود.

از آنجا که گروههای کوچک موضوع پویایی‌شناسی گروه به عنوان قلمرو شناخت علمی محل اتصال افراد و سازمانهای اجتماعی وسیعتر است، استفاده از آن در سازماندهی و اجرای طرحهای مرتعداری می‌تواند به عنوان یک تمهید اصلی برای افزایش بهره‌وری در طرحها مورد توجه قرار گیرد. پویایی‌شناسی گروهها با طرح مفهوم «آگاهی یافتن» از طریق گروه که به مشارکتی فزاینده در گروه منجر می‌گردد، عوامل روان‌شناختی و جامعه‌شناختی را در فرایند آگاهی یافتن، دگرگونی و مشارکت مورد توجه قرار می‌دهد. استفاده از روشهای ترویج و

بهره‌گیری از پیشبران گروه^۱ نیز از محورهای مورد تاکید در طرحهای مرتعداری است. استفاده از این روش طی دهه گذشته در بسیاری از کشورهای در حال توسعه رواج یافته و در حقیقت افکار جدیدی را در مورد اینکه چگونه می‌توان از روشهای گروهی به طور موثر استفاده کرد، مطرح ساخته است. مثلاً برنامه توسعه کشاورزان خرده پا در جنوب شرقی آسیا بر پایه استفاده از «پیشبران گروه» استوار بوده علاوه بر آن در آمریکای لاتین نیز ترویج گروهی در برزیل به خوبی مزایای تشکیل پیشبران گروه را و اینکه چگونه این پیشبران^۲ می‌توانند از فعالیتهای ترویجی پشتیبانی به عمل آورند، نشان داده است. شیوه گروهی امکان پوشش ترویجی وسیعی را فراهم می‌آورد و در نتیجه هزینه صرف شده کارایی بیشتری پیدا خواهد کرد. مثلاً با استفاده از شیوه گروهی مروج، می‌تواند تعداد بیشتری از مرتعداران را تحت پوشش قرار دهد. علاوه بر این شیوه گروهی، مروج محیط یادگیری ثمربخشی را به وجود می‌آورد که در آن مرتعدار می‌توان گوش فرا دهد، بحث کند و تصمیم بگیرد که به خاطر منافع خودش در برنامه‌های ترویجی مرتعداری شرکت جوید و بالاخره شیوه ترویج گروهی مرتعدارانی را که دارای مشکلات مشابهی هستند گرد می‌آورد و در نتیجه موجب سازمان‌یابی نوعی فعالیت جمعی در برخورد با مشکلات می‌شود.

۳- یافته‌های پژوهش

۳-۱- ابعاد جمعیتی

در هر یک از استانهای فارس و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب ۱۵۲ و ۱۳۴ خانوار مرتعدار در طرحهای نمونه مورد بررسی قرار گرفته‌اند. متوسط تعداد اعضای خانوار در کهگیلویه ۷/۱ و در فارس ۶/۲ است. تفاوت در توزیع سنی و جنسی خانوارها در دو منطقه در خور توجه است. نسبت جمعیت کمتر از ۱۵ سال در طرحهای مرتعداری کهگیلویه ۵۴ درصد و در فارس ۳۸ درصد است که این تفاوت در درجه اول به زاد ولد و باروری و مهاجرت، به ویژه مهاجرت برای ادامه تحصیل، مربوط می‌شود.

توزیع سنی رؤسای خانوارها بیانگر آن است که بیشترین تمرکز سنی مربوط به گروههای

سنی ۴۰ تا ۶۰ ساله است، به طوری که حدود ۴۵ درصد از رؤسای خانوارها در کهگیلویه و بویر احمد و ۴۲ درصد در استان فارس در این گروه سنی قرار دارند. نسبت رؤسای خانوار کمتر از ۴۰ سال برای کهگیلویه ۲۴ درصد و برای فارس ۲۸ درصد است. بدین ترتیب می توان استنباط کرد که نوعی جوان‌گرایی در میان مجریان طرحهای مرتعداری دیده می‌شود. نتایج حاصل از یافته‌های جمعیتی اعضای طرحهای مرتعداری حکایت از آن دارد که از نظر سنی ارتباط مستقیم میان وضعیت مرتع از نظر فنی و سن مرتعداران وجود دارد. بدین معنی که سهم مرتعداران با وضعیت مرتع خوب و متوسط در میان افراد جوان به نسبت بیش از رقم مشابه در افراد مسن است. به عبارت دیگر مرتعداران جوان در زمینه حفظ و نگهداری مرتع موفق‌تر از مرتعداران مسن هستند. در مورد جوان‌گرایی در این طرحها ذکر دو نکته ضروری است.

الف - واگذاری قسمتی از سامان عرفی مرتع از سوی رؤسای خانوارها به فرزندان.

ب - معرفی اعضای جوان طرحهای مرتعداران به عنوان نماینده مجری طرح

نسبت بی‌سوادی در بین مرتعداران هر دو منطقه تقریباً بالاست ولی میزان آن در بین مرتعداران کهگیلویه و بویر احمد بیشتر است. یافته‌های پژوهش پیرامون سواد به عنوان عامل موثر در حفظ و نگهداری مراتع در اجرای طرحهای مرتعداری، حاکی از این است که وجود افراد با سواد در طرح می‌تواند نقطه قوت طرح محسوب شود. بررسیهای میدانی نشان می‌دهد که آن دسته از جریان طرحها که از سواد کافی برخوردارند در اجرای برنامه‌های توسعه مراتع موفق بوده‌اند. براساس این مطالعه تنها حدود ۲۹ درصد از مرتعداران بی‌سواد دارای مرتع با کیفیت خوب و عالی، از نظر فنی، بوده‌اند، اما به موازات افزایش سواد و آموزش در زمینه کاربرد اصول فنی مرتعداری میزان توفیق آنان در بهبود بخشی به وضعیت مراتع افزایش حاصل می‌کند، به طوری که حدود ۴۷ درصد از مرتعداران دارای تحصیلات متوسطه، دارای مرتع خوب و عالی بوده‌اند. به این ترتیب می‌توان استنباط کرد که بین وضع مرتع از نظر فنی و میزان سواد مرتعداران رابطه مستقیم وجود دارد (محسنی تبریزی و دیگران، ۱۳۷۴).

نتایج بررسی در زمینه شغل ثانوی مرتعداران حاکی از آن است که آن گروه از مرتعداران که دارای مشاغل ثانوی هستند از طریق کسب درآمد از مشاغل دیگر و سرمایه‌گذاری در آمد مازاد در طرحهای مرتعداری به تقویت طرحها از نظر فنی کمک کرده‌اند. بیش از نیمی از افراد دارای شغل دوم، مراتع با کیفیت فنی متوسط به بالا داشته‌اند، در حالی که در بین افراد فاقد شغل دوم درصد

کمتری دارای مراتع عالی و خوب بوده‌اند. به این ترتیب می‌توان استنباط کرد که وجود شغل ثانوی می‌تواند تا حدودی با بهبود وضعیت مرتع، به لحاظ فنی، همبستگی داشته باشد. از میان مرتعداران دارای شغل دوم ۵۷ درصد دارای مرتع با وضعیت فنی متوسط به بالا بوده‌اند.

۳-۲- نظر مرتعداران درباره جنبه‌های مختلف طرحهای مرتعداری

نتایج بررسی حاکی از آن است که مرتعداران با هدفهای طرحهای مرتعداری آشنایی دارند. در این زمینه نقش سازمان جنگلها و مراتع در آشنا ساختن مرتعداران با طرحهای مرتعداری نسبت به سایر مجراها و جریانهای ارتباطی، بیشتر است. درباره اندازه واحد طرح، اکثر مرتعداران معتقدند که واگذاری مراتع در اندازه‌های غیر اقتصادی و کوچک موجه نیست، با این حال مرتعداران در مجموع از واگذاری مراتع رضایت دارند و آن را برای تقویت دامداری سنتی در کشور مفید می‌دانند، هر چند که واگذاری مراتع را به صورت قطعی مفیدتر می‌دانند (ازکیا و دیگران، ۱۳۷۴).

نتایج نظرخواهی نشان می‌دهد که زمان اجرای طرح طولانی است و ضرورت تجدید نظر در مسیر رفت و برگشت طرحها وجود دارد. بررسی حاضر نشان می‌دهد که از مرتعداران تنها مشارکت کاری و مالی و برخی مشورتها در آغاز کار خواسته شده است و این امر سبب شده که مرتعداران برای به ثمر رسیدن طرحها اغلب حمایت دولت را طلب کنند و احساس اتکا به خود از آنان سلب گردد. براساس داده‌های این مطالعه، تنها تعداد اندکی از مرتعداران در تدوین طرحها، از حیث ابعاد فنی، مورد مشورت قرار گرفته‌اند. اگر به این نکته توجه شود که استفاده از دانش بومی مردم محلی می‌تواند در بهره‌برداری بهتر از طرحها موثر باشد، ضرورت به کارگیری دانش مردم عشایری که سابقه دیرینه‌ای در بهره‌برداری از مراتع دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد شد.

اکثریت مرتعداران راه‌اندازی طرحهای مرتعداری را در بهبود کیفی مراتع موثر دانسته‌اند و اظهار داشته‌اند که از طریق کنترل تعداد دام از فشار دام به مرتع کاسته‌اند، با این حال باید توجه داشت که هنوز دام مازاد در مرتع وجود دارد (ازکیا و دیگران، ۱۳۷۴).

از آنجا که واگذاری مراتع بر اساس سامانهای عرفی است، لذا با توجه به تفاوت حق نسق بهره‌برداران و همچنین تفاوت در بهره‌مندی واحدهای مرتعداری از کمک دولتی، به نظر می‌رسد

که نوعی قطب بندی اجتماعی در میان اعضای طرحهای مرتعداری در آینده، دور از انتظار نیست، به ویژه که اقداماتی در شرف تکوین است که بهره برداران با دام کمتر بتوانند حق علف چر خود را واگذار کنند.

۳-۳- بررسی عناصر خرده فرهنگ و سنجش برخی متغیرهای روانی - اجتماعی

در بررسیهای اجتماعی طرحهای مرتعداری متغیرهایی نظیر انگیزه نوپذیری، انگیزه پیشرفت، تمایل به کار گروهی، سرنوشت گرایی، مشارکت اجتماعی و رضامندی شغلی که از زمره متغیرهای روانشناسی اجتماعی محسوب می‌شوند، مورد توجه بوده‌اند. یافته‌های پژوهش حکایت از این دارد که بسیاری از موانع فرهنگی که در خصوص نوسازی جوامع دهقانی و عشایری از سوی صاحب نظران توسعه اظهار شده است در مناطق مورد بررسی صادق نیست. دامداران در جامعه مورد بررسی تا حدودی زیادی با طرحهای مرتعداری آشنایی دارند، معه‌ها پذیرش طرحهای مرتعداری از سوی عشایر و دامداران و مشارکت آنان منوط به شرایطی است که به تدریج و پس از انتفاع از نتایج طرحها و به مرور زمان حاصل خواهد شد. به اعتبار نتایج این پژوهش می‌توان استدلال کرد که مرتعداران از درجه و میزان تقریباً بالای نوپذیری برخوردار هستند که این خود در استقبال آنان از طرحهای مرتعداری از سوی آنان منعکس است. جامعه مورد بررسی مشارکتی و مشارکت جو به شمار می‌آید، البته درجه میزان مشارکت و همکاری به تعداد افراد مشارکت کننده و نسبتهای خویشاوندی و طایفه‌ای میان آنان بستگی دارد. نتایج نشان می‌دهد که اعضای آن دسته از طرحهای مرتعداری که اغلب از خویشاوندان درجه اول تشکیل شده‌اند و تعداد آنان نیز محدود است، از بهره‌وری بالایی برخوردارند (زاهدی مازندارانی، ۱۳۷۴).

از نظر میزان رضامندی شغلی هر چند که دامداران شیوه زندگی دامداری را به هر شیوه زندگی دیگر ترجیح می‌دهند، با وجود این چندان از شغل دامداری راضی و خرسند نیستند. این امر با برخی از یافته‌های اجتماعی این پژوهش، یعنی تحرک اجتماعی و شغلی مرتعداران، هماهنگی دارد. تحرک شغلی و روی آوردن به مشاغل دیگر و حتی پذیرش مشاغل دوم (غیر دامداری) بازگویی تردیدهایی است که در جامعه مورد مطالعه نسبت به شغل دامداری وجود دارد.

۳-۴- برخی شاخصهای اجتماعی موثر بر طرحهای مرتعداری

برخی از یافته‌های این بررسی که می‌تواند در موفقیت طرحهای مرتعداری موثر باشد، از این قرار است:

- میزان رضامندی از حسن اجرای طرح و شرکت آنان در مراحل مختلف اجرای طرح از زمره شاخصهای مهم تلقی می‌شود.

- با سوادى مجرى طرح و اعضاى آن از عوامل موثر در موفقیت طرحها به شمار می‌آید. زیرا این امر بر حسن جریان امور مربوط. به توفیق برنامه‌های مندرج در طرح اثر می‌گذارد.

- دسترسی مرتعدار به امکانات بهداشتی، رفاهی، آموزشی در مراکز و آبادیهای نزدیک به محل استقرار طرح

- تجانس و هماهنگی شغلی در میان بهره‌برداران، به ویژه مرتعدارانی که تنها از طریق دامداری امرار معاش می‌کنند.

- وجود مشاغل فرعی و ثانوی برای آن دسته از مرتعدارانی که دارای دامداریهای کوچک هستند و تنها از طریق دامداری نمی‌توانند نیازهای یک زندگی اقتصادی متناسب را تأمین کنند.

- تجربه مرتعداری از عوامل مهم در بهبود کیفیت مراتع به شمار می‌رود و به همین مناسبت است که مرتعداران عشایری به دلیل سابقه و تجربه در امر مرتعداری، بیش از دامداران روستایی توفیق حاصل کرده‌اند. زیرا مرتعداری شغل اصلی آنان محسوب می‌شود، حال آنکه برای روستاییان مرتعداری شغل دوم و ثانوی بوده است.

- هرچه اعضاى طرح مرتعداری کمتر باشد، توفیق واحد مرتعداری نیز بیشتر است. آن دسته از طرحهای مرتعداری که بر پایه مناسبات خویشاوندی و دودمانی استوار است، در مقایسه با طرحهای مرتعداری مشاعی، از قوام بیشتری برخوردار است.

- مشکلات اجتماعی ناشی از تجاوز به مراتع و برخوردها و تضادهای بین مرتعداران در مراتعی که به نحوی محصور شده‌اند، به میزان زیادی کمتر از سایر طرحهای مرتعداری است. مطالعات نشان می‌دهد که واحدهای مرتعداری محصور به باغها، انجیرستانها و یا دارای حصار طبیعی نظیر کوه، و تپه و ... مشکلات اجتماعی کمتری دارند.

- طرحهای مرتعداری دارای مدیریت قوی، از حیث موفقیت فنی از توفیق بیشتری برخوردارند. مدیریتهای حاکم بر این گونه مراتع از نوع پدرسالارانه است. بررسی نشان می‌دهد که وجود افراد

منتقد محلی می‌تواند در کاهش مسائل اجتماعی و دشواریهای ناشی از مالکیت موثر باشد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مخالفت اینگونه افراد با طرحهای مرتعداری ممکن است به شکست طرحها منتهی شود.

- نقش آموزش و ترویج در پذیرش طرحها از اهمیت برخوردار است. برقراری روابط دوستانه بین مرتعداران و کارشناسان و پذیرش کارشناسان از سوی مرتعداران در موفقیت طرحها بسیار موثر است. برگزاری کلاسهای آموزشی کوتاه مدت و بازدید مرتعداران از طرحهای مرتعداری نمونه، می‌تواند در بالا بردن میزان انگیزش آنان در پذیرش طرحها موثرافتد.

- وجود کارکنان بومی و احساس اعتماد مرتعداران به آنها از زمره عوامل اجتماعی موثر بر موفقیت فنی طرحهای مرتعداری به شمار می‌آید. ایجاد روابط صمیمی و چهره به چهره میان کارشناسان بومی و مرتعداران سبب می‌شود که توصیه‌های آنان در مورد ابعاد فنی طرحها بیشتر مورد توجه مرتعداران قرار گیرد.

- نزدیکی محل سکونت مرتعدار به قلمرو مرتعی وی و حضور مداوم او در مرتع، به تثبیت ذهنی حق انتفاع و مالکیت کمک می‌کند و این امر در حل معضلات اجتماعی ناشی از تجاوزات ملکی موثر واقع می‌شود.

- مراتعی که در آنها به طریق مختلف مالکیت دولت تثبیت شده و حدود مالکیت دولتی و مردمی در آن مشخص شده و دامدار واقعی مورد شناسایی قرار گرفته است، از نظر مناسبات اجتماعی کمتر مسأله دارند و لذا این قبیل طرحها از نظر فنی موفقیت بیشتری کسب کرده‌اند، به این معنی که در برخی از مراتع واگذار شده که قبل از ملی شدن مراتع اسناد مالکیت آنها باطل شده است، پس از پیوستن مرتعداران به طرحهای مرتعداری، انگیزه مالکیت در آنان تقویت شده و اقدامات فنی پیش بینی شده در طرحهای مرتعداری را به نحو خوب و قابل قبولی اجرا کرده‌اند.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که بیش از ۱۳ متغیر و شاخص اجتماعی در موفقیت فنی طرحهای مرتعداری دخالت دارند که با در نظر گرفتن سایر شاخصهای اقتصادی و اقلیمی و رعایت نکات فنی، با مجموعه‌ای از عوامل روبرو هستیم که توجه به آنها می‌تواند در توفیق کامل طرحهای مذکور موثرافتد.

۳-۵- ابعاد اجتماعی مالکیت

در مناطق مورد مطالعه واگذاری طرحهای مرتعداری به سه صورت فردی، گروهی (مشاعی) و تعاونی صورت گرفته است. در منطقه فارس ۲۵ درصد طرحها به صورت انفرادی، ۷۴ درصد به صورت گروهی و مشاعی و ۱ درصد نیز به صورت تعاونی بوده است. از مجموع طرحهای انفرادی استان فارس ۸۱ درصد در نقاط قشلاقی و ۱۹ درصد در نقاط ییلاقی واگذار شده است (وثوقی - یمین الدین، ۱۳۷۴). سنجش توزیع طرحهای مرتعداری گروهی بر حسب تعداد اعضا در دو دسته مراتع ییلاقی و قشلاقی بازگویی آن است که به طور کلی در مراتع ییلاقی سهم نسبی واحدهای مرتعداری پرجمعیت تر در مقایسه با واحدهای کم جمعیت تر افزایش می یابد. تقریباً عکس این روند در طرحهای مرتعداری واقع در مراتع قشلاقی به چشم می خورد.

در منطقه کهگیلویه و بویراحمد ۱۹ درصد از طرحهای مرتعداری به صورت انفرادی و ۸۱ درصد بقیه به صورت گروهی و گذار شده است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۴).

اکثر طرحهای واگذار شده گروهی در منطقه کم جمعیت است، به طوری که ۵۸ درصد از آنها بین ۲ تا ۳ نفر عضو دارند. به علاوه در بسیاری از موارد در طرحهای مرتعداری که تعداد اعضای آن زیاد اعلام شده است، تعدادی از آنان را اعضای صوری تشکیل می دهند و در محل حضور ندارند (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۴).

بر اساس نتایج مطالعات منطقه‌ای حدود ۷۷ درصد از مراتع واگذار شده در استان کهگیلویه و بویراحمد از نوع مراتع قشلاقی (اغلب ضعیف تا متوسط) و فقط ۲۳ درصد از آنها از نوع مراتع ییلاقی (اغلب خوب تا متوسط) بوده است. کثرت طرحهای مرتعداری واگذار شده در نواحی قشلاقی ناشی از این دلیل بسیار مهم است که دعاوی ملکی در خصوص مراتع، در این قبیل نواحی به طور چشمگیری کمتر است.

طبق یک سنت قدیمی مراتع قشلاقی به دلیل منضم بودن به اراضی کشاورزی از گذشته به صورت مفروض مورد بهره‌برداری قرار می گرفته است و در نتیجه عرفاً به دلیل شناخته شده بودن حقوق مالکیت و انتفاع در این قبیل مراتع، تقاضاهای مربوط به واگذاری طرحها در این نواحی با سهولت بیشتر و مخاطره‌پذیری کمتری ارائه شده است؛ که نتیجه آن کثرت تقاضا از یک سو و انجام سریعتر عملیات، ممیزی از سوی دیگر و برآیند آن افزایش تعداد طرحهای

مرتعداری تشکیل شده است. در حالی که در مراتع ییلاقی، به دلیل وجود سنت بهره‌برداری مشاعی و مشترک، اولاً میزان تقاضای تشکیل طرح، به سبب عدم اطمینان از بلا معارض بودن اراضی مرتعی، محدودتر است و از سوی دیگر عملیات ممیزی نیز به دلیل کثرت مدعیان و دارندگان حقوق انتفاع یا مالکیت اغلب با کندی زیاد صورت می‌گیرد.

نتایج مطالعات منطقه‌ای نشان می‌دهد که انگیزه بیش از ۶۰ درصد از مرتعداران در ارائه تقاضا برای تشکیل طرح‌های مرتعداری و یا در پیوستن به این طرح‌ها کسب مالکیت و یا احراز و تثبیت مالکیت ارضی بوده است. مرتعداران عضو طرح‌های گروهی با رویکرد احراز مالکیت یا تثبیت دائمی حقوق انتفاع، اغلب به افراز و تقسیم عرفی اراضی محدوده طرح‌ها در بین خود اقدام کرده‌اند.

بیشترین مشکلات در مورد ممیزی اراضی مرتعی به اختلافات موجود میان عشایر و روستاییان مربوط می‌شود، که اساساً از تعریف نادقیق و کمی نشده «حریم روستا» و «حریم منابع ملی» و یا اصطلاحاً «حریم عشایر» نشأت می‌گیرد.

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که طرح‌های مرتعداری واقع در مناطق ییلاقی به مراتب بیشتر از طرح‌های واقع در مراتع قشلاقی دچار مسأله‌اند و این مسلماً از سنت تقسیم‌بندی شدن اراضی مرتعی در قشلاقی و در مقابل مشاعی و یک پارچه بودن مراتع ییلاقی نشأت می‌گیرد.

۴- مسائل و دشواریهای اجتماعی

از زمره عوامل موثر در عدم موفقیت طرح‌ها و سیاستهای توسعه روستایی و عشایری کشور، طی چند دهه اخیر، باید از عدم به کارگیری دیدگاه جامع‌نگری، نام برد. در سیاستهای توسعه منطقه‌ای و روستایی بیشتر ابعاد فیزیکی و فنی مورد توجه قرار می‌گیرد تا ابعاد اجتماعی. از این رو اکثر اینگونه طرح‌ها به هدفهای پیش‌بینی شده دست نمی‌یابند و اغلب در نیمه راه متوقف می‌شوند. مشکلات و دشواریهای طرح‌های مرتعداری از ابعاد اجتماعی به طور خلاصه از این قرار است:

۴-۱- عدم استفاده از دانش بومی

در طرح‌های مرتعداری کمتر به دانش بومی مردم روستایی و عشایری تکیه شده است

و بیشتر دانش نظری کارشناسان مورد توجه قرار گرفته است. به همین جهت در برخی از موارد این گونه طرحها خصلت کاربردی خود را از دست می‌دهد و موفق به جلب مشارکت مردمی مرتعداران نمی‌گردد.

۴-۲- فقدان روحیه آینده‌نگری

در بسیاری از طرحهای مرتعداری بررسی شده، فقدان روحیه آتیه‌نگری و عدم چشم‌پوشی از منافع آتی برای خاطر منافع آتی (حفظ، احیا و اصلاح مراتع) در بین مرتعداران به چشم می‌خورد. این امر خود موجب عدم برنامه‌ریزی و ناتوانی در اجرای برنامه زمان بندی شده از سوی مرتعداران می‌گردد. به همین مناسبت طرحهای مرتعداری در مرحله اجرا با دشواری مواجه می‌شوند. از زمره هدفهای آتی مرتعداران در اجرای طرح مرتعداری می‌توان از انگیزه مالیکت و تثبیت حق انتفاع بر سامانهای عرفی نام برد. به این ترتیب می‌توان گفت که برنامه‌های اصلاحی و احیایی مراتع هنوز جایگاه خود را در میان مرتعداران پیدانکرده است. به نظر می‌رسد که این امر ناشی از فقر نظام آموزش و ترویج در حیطه منابع طبیعی است.

۴-۳- کوچ و اسکان

با توجه به اینکه واگذاری مراتع هم در بیلاق و هم در قشلاق صورت می‌گیرد و یک مرتعدار ممکن است در هر دو منطقه دارای مرتع باشد، لذا می‌توان پیش بینی کرد که اجرای طرحهای مرتعداری ممکن است که موقتاً الگوی زیست کوچ‌نشینی را تشدید کند، اما نتایج گرایش به یکجانشینی در میان مجریان و اعضای طرحهای مرتعداری تقویت خواهد شد. همراه با اسکان، بخشی از نیروی کار خانگی از جریان تولید دامداری وابسته به مرتع حذف خواهد شد، به ویژه اینگونه طرحها چند منظوره نبوده و قادر به جذب نیروی کار خانگی آزاد شده نیستند. یکجانشینی تدریجی سبب تبدیل بخشی از مراتع به اراضی کشاورزی و تغییر در کاربری اراضی مرتعی می‌گردد که در نهایت به زیان دامداری و طرحهای مرتعداری منجر خواهد شد (رفیع‌فر- افسر کشمیری، ۱۳۷۴).

۴-۴- فقدان مطالعات اجتماعی - اقتصادی

بررسیهای به عمل آمده نشان می‌دهد که قبل از تهیه طرحهای مرتعداری مطالعات لازم در زمینه ساختار اجتماعی - اقتصادی، اختلافات قومی، مسائل مالکیت و میزان مشارکت اجتماعی صورت نمی‌پذیرد. همچنین از بعد فنی نیز مکان‌یابی بهینه برای اجرای طرح، شناسایی قابلیتها و توانائیهای بالقوه و بالفعل فنی و محدودیتها و تنگناهای موجود برای اجرای طرحها به صورت اساسی مورد توجه قرار نمی‌گیرد، به همین مناسبت بسیاری از طرحهای تهیه شده یا به مرحله اجرا در نمی‌آید و یا آنکه در مرحله اجرا با مشکلات اجتماعی روبه رو می‌شود. لذا توصیه می‌شود که در چارچوب مطالعات مقدمات تهیه طرح، مطالعات اجتماعی و اقتصادی و فنی نیز گنجانده شود.

۴-۵- تضاد میان جامعه روستایی و عشایری

از زمره مشکلات اجتماعی، تعارضات بین دامداران روستایی و عشایری بر سر بهره‌برداری از مراتع حریم و مراتع عمومی است، که به ترتیب دامداران روستایی و عشایری از آن استفاده می‌کنند. گاهی مراتع عشایری تحت عنوان مراتع حریم مورد استفاده روستاییان قرار می‌گیرد و این امر به وقوع نزاع و درگیری میان روستاییان و عشایر منجر می‌شود. یافته‌های پژوهش بازگویی تخریب تاسیسات موجود در محدوده طرحهای مرتعداری و یا بی‌اثر شدن عملیات اصلاحی و احیایی انجام شده در اثر بروز این گونه درگیری‌هاست.

۴-۶- نبود ساز و کار (مکانیزم)های ارتباطی بین مجریان طرحهای مرتعداری

مجریان طرحهای مرتعداری از اقدامات یکدیگر کاملاً بی‌خبرند. هیچ‌گونه سازوکاری برای تبادل اندیشه‌ها و تجربه‌های میان مرتعداران وجود ندارد. کمبود اتحادیه‌های دامداران عشایری و روستایی سبب شده است که مرتعداران نتوانند به حمایت اقتصادی، مالی و اجتماعی از یکدیگر بپردازند. فعالیتهای مجریان طرحهای مرتعداری به میزان حمایتهای مالی و اقتصادی سازمان جنگلها و مراتع و موسسات اعتباری و بانکی وابسته است و قطع کمکهای مالی سبب توقف طرحهای مرتعداری خواهد شد. لذا ضروری است که زمینه‌های خود اتکایی و خودگردانی این واحدها از هم اکنون به طور جدی مورد توجه قرار گیرد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به آنچه گفته شد، توصیه‌های زیر در خصوص جنبه‌های اجتماعی طرح‌های مرتعداری ارائه می‌گردد:

۱- به منظور جلوگیری از آثار سوء و کارکردهای نامطلوب اسکانهای پراکنده، پیشنهاد می‌شود که در مکان‌های مناسب طرح‌ها به گونه‌ای عمل شود که پراکندگی مکانی طرح‌ها به حداقل ممکن کاهش یابد، تا امکان ارائه خدمات لازم در زمینه امور زیربنایی، آموزشی، بهداشتی و درمانی برای خانوارهای زیر پوشش طرح میسر گردد.

۲- نظر به اینکه طرح‌های مرتعداری، که نیروهای جوان و با سواد و دارای تجانس شغلی حرفه‌ای آنها را اداره می‌کنند، از لحاظ اجتماعی، اقتصادی و فنی از توفیق بیشتری برخوردار است، لذا پیشنهاد می‌شود که شاخصهایی نظیر همسانی شغل اول و دوم، داشتن سواد، تجانس سنی، وجود پیوندهای خویشاوندی و آگاهی به دانش دامداری و مرتعداری به عنوان ضوابط مشخص در واگذاری طرح‌های مرتعداری جدید لحاظ گردد و به نوعی در دستورالعمل‌های فنی و شرح خدمات تهیه طرح‌ها گنجانده شود.

۳- در تعیین حد مطلوب واگذاری باید به معیشت و رفاه دامدار از یک سو و توانمندیهای تولیدی مرتع از طرف دیگر توجه کافی شود. به نظر می‌رسد که چند منظوره کردن طرح‌های مرتعداری آثار مثبتی به روی تأمین معیشت خانوارهای عضو طرح‌ها و استفاده بهینه از نیروهای کار خانوادگی اعضا خواهد داشت. برای نیل به این منظور توصیه می‌شود که با توجه به مطالعات حوزه‌های آبخیز در مناطق مختلف، در مراحل بعدی پتانسیلهای بالقوه و بالفعل مناطق (بر اساس مطالعات یاد شده) مورد بهره‌برداری قرار گیرد، به نحوی که بتوان به بهره‌برداری چند منظوره از مراتع پرداخت تا خانوارهای عضو طرح، فعالیت دامداری را بسته به موقعیت با زراعت، باغداری، نوغان‌داری، پرورش زنبور عسل، پرورش گیاهان دارویی و مانند آن در هم‌آمیزند و به این ترتیب به منابع درآمد تکمیلی و جانبی دست یابند.

۴- با توجه به اهمیت اصولی مدیریت بهره‌برداری از مراتع به منظور تحقق توسعه پایدار کشاورزی و حفاظت و حراست از منابع طبیعی و نیز ضرورت تأمین مشارکتهای مردمی، به نظر می‌رسد که بررسی و مطالعه ساختار فرهنگی، قومی و اجتماعی قبل از اجرای طرح‌های مرتعداری ضروری است. به علاوه پیشنهاد می‌شود که بررسی و ارزیابی آثار اجتماعی، اقتصادی و فنی در سایر مناطق نیز صورت پذیرد تا دستیابی به اندازه متناسب و مطلوب واحد

بهره‌برداری به لحاظ اقتصادی و اجتماعی بیشتر گردد. شکی نیست که مطالعات یک جانبه و تک بُعدی پیرامون ابعاد فنی و یا اندازه اقتصادی طرحهای مرتعداری به تنهایی نمی‌تواند مسائل مدیریت مرتع را در قالب طرحهای مرتعداری حل کند.

۵- در زمینه استفاده از دانش بومی مردم روستایی و عشایری پیشنهاد می‌شود که سازمان جنگلها و مراتع کشور از طریق تجهیز گروههای مطالعاتی خاص به گردآوری اطلاعات مربوط به نظامهای کشت شبانکاری^۱ سنتی و دانش بومی و اهالی در هر منطقه بپردازد و سپس به طبقه‌بندی و سازگارسازی این روشها و دانشهای علمی نوین، در زمینه‌های مربوط اقدام نماید کرد و سرانجام از ترکیب و تلفیق این دو دسته دانش (دانش بومی و دانش جدید) رهیافتهای جدیدی در زمینه بهبود مراتع تدوین و طراحی کند.

۶- به منظور تسهیل در پذیرش مدیریت بهره‌برداری از مراتع در قالب طرحهای مرتعداری باید به مسأله آموزش و ترویج اهمیت داده شود. برای این منظور تدارک کلاسهای آموزشی کوتاه مدت و اجرای برنامه‌های بازدید از طرحهای مرتعداری بسیار موثر است. ترویج فرهنگ حفظ و حراست از منابع طبیعی باید به عنوان یک وظیفه دینی و ملی تلقی شود و این امر از طریق رسانه‌های گروهی تبلیغ گردد. به علاوه توصیه می‌شود که از طریق شورای عالی انقلاب فرهنگی در رشته‌های مختلف دانشگاهی (غیر از کشاورزی و منابع طبیعی) درسهایی تحت عنوان توسعه پایدار و مسائل زیست محیطی برای دانشجویان ارائه شود.

۷- از زمره عواملی که نیل به هدفهای پیش‌بینی شده در طرحها را میسر می‌سازد، نظارت بر حسن اجرای مراحل مختلف طرحهای مرتعداری است. لذا تشکیل واحد نظارت و ارزشیابی در مناطقی که هنوز نسبت به راه‌اندازی آن اقدام نشده است، ضروری به نظر می‌رسد. به علاوه استفاده از کارشناسان بومی واحدهای مذکور در سطح استان و شهرستان به پیشبرد هدفهای طرح کمک می‌کند. استفاده از مرتعداران نمونه، به عنوان ناظر در هر شهرستان، می‌تواند مانع از گسترش نظام بوروکراسی و تراکم پرسنلی گردد. زیرا این گونه مرتعداران مورد اعتماد مردم هستند و توصیه‌های آنان اغلب در سطح محلی مورد قبول قرار می‌گیرد.

تدارک شورایی مرکب از ریش سفیدان و مرتعداران با سابقه در سطح استان و شهرستان به عنوان بازوی مشورتی کارشناسان و مدیران اجرایی می‌تواند در رسیدن به هدفهای طرحهای مرتعداری

کمک موثر باشد.

۸- از آنجا که اکثریت مرتعداران در گذشته و قبل از تشکیل طرحهای مرتعداری در واحدهای اجتماعی - تولیدی عشایری منطقه (بنکو و مال) عضویت داشته‌اند، لذا می‌توان نتیجه گرفت که اکثر بهره‌برداران با الگوی بهره‌برداری دسته جمعی از مراتع، تشکلهای اجتماعی و مدیریت گروهی آشنایی دارند، در نتیجه شکی نیست که با توجه به سابقه آشنایی و عضویت مرتعداران در این تشکلهای می‌توان از الگوی آن در شکل‌دهی به طرحهای مرتعداری کنونی بهره گرفت، لذا با توجه به ضرورت‌های فنی مربوط به بزرگ مقیاس بودن طرحهای مرتعداری، پیشنهاد می‌شود که با تعمیم کارکردهای اجتماعی - تولیدی به سطوح بالاتر تشکلهای خویشاوندی نظیر دهه، اولاد و یا تش که عملاً بهره‌برداری مشاعی از مراتع تحت تصرف و مدیریت اجتماعی، تولیدی واحدی را نمایندگی می‌کرده‌اند، چهار چوبهای اجرایی و عملیاتی زیر، در واگذاری طرحهای مرتعداری مورد توجه قرار گیرد:

الف - در فرایند واگذاری طرحهای مرتعداری، شقوقی از تشکلهای گروهی، مرتبط با سطوح تشکلهای سنتی دودمانی، در قالب واحدهای تعاونی و شرکتهای سهامی مرتعداری مورد توجه قرار گیرد.

ب - از طریق تجدید نظر در طرحهای انفرادی و گروهی واگذار شده نسبت به تجدید سازمان این طرحها در واحدهای بزرگتر، منطبق با وابستگیهای دودمانی مرتعداران، در قالب شرکتهای تعاونی یا سهامی مرتعداری یاد شده اقدام گردد.

۹- در نهایت توصیه می‌شود که با استعانت از تحقیق و پژوهش و ارزیابی و مطالعات آزمایشی^۱ سازوکارهای مناسبی را جهت توسعه آگاهیهای مرتعداران در خصوص هدف طرح مرتعداری به وجود آورد و به افزایش مشارکت آنان در این طرحها و تبلیغ روحیه کار جمعی و گروهی در بین آنان اقدام کرد. در این جهت می‌توان از فنون گروه سنجی و مباحث پویایی شناسی گروه و نیز فعالیتهای ترویجی برای توسعه قابلیت‌های مرتعداران و بازدهی بیشتر مراتع کمک گرفت و همچنین می‌توان با توسل به تحقیقات از نوع ارزشیابی^۲ به بررسی نتایج طرحها و بهبود شرایط پرداخت. زیرا، در هر نوع برنامه‌ریزی مشارکتی - به منظور توسعه پایدار - حصول اطمینان از اعتبار و مطلوبیت طرح ضروری بوده و این خود مستلزم مطالعات تجربی مستمر

وبهبود شرایط پرداخت. زیرا، در هر نوع برنامه‌ریزی مشارکتی - به منظور توسعه پایدار - حصول اطمینان از اعتبار و مطلوبیت طرح ضروری بوده و این خود مستلزم مطالعات تجربی مستمر است*

* - این مقاله به استناد قسمتی از مطالعات وسیع و همه جانبه تحت عنوان «بررسی اجتماعی، اقتصادی و فنی طرح‌های مرتعداری در استانهای فارس و کهگیلویه» تهیه شده است. پژوهش مذکور طی مدت ۱۵ ماه در استان فارس به انجام رسیده است. حاصل این پژوهش در ۱۰ مجلد، در ابعاد مختلف فنی، اجتماعی، روانشناختی اجتماعی، اقتصادی، مالکیت و حقوق انتفاع و... از سوی مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران منتشر شده است. انجام پژوهش به سفارش سازمان جنگلها و مراتع کشور صورت پذیرفته است.

مسأخذ:

- معین‌الدین، حسن، طرحهای مرتعداری در برنامه اول توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی.
- ازکیا، مصطفی و احمد حجاران، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی با تأکید بر جامعه‌شناسی روستایی، نشر نی، ۱۳۷۴، فصل روش تحقیق.
- بخش تحقیقات روستایی، مؤسسه مطالعات، تحقیقات اجتماعی، بررسی اجتماعی، اقتصادی و فنی طرحهای مرتعداری، مجلدات اول و دوم، دانشکده علوم اجتماعی، ۱۳۷۴.
- محسنی تبریزی و دیگران، بررسی جنبه‌های روانشناختی اجتماعی مرتعداران در استانهای فارس و کهگیلویه و بویراحمد، جلد ششم، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۷۴.
- ازکیا، مصطفی و دیگران، بررسی ابعاد اجتماعی اقتصادی و فنی طرحهای مرتعداری در استان فارس، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۷۴.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد، بررسی مالکیت و حق انتفاع در طرحهای مرتعداری استان کهگیلویه و بویراحمد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۷۴.
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد، بررسی تشکلهای سنتی در فارس، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۷۴.
- وثوقی، منصور و حسن معین‌الدین. مالکیت و حق انتفاع در فارس، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی ۱۳۷۴.
- رفیع‌فر، جلال‌الدین و بیژن انسر کشمیری. تشکلهای سنتی بهره‌برداری از مراتع در کهگیلویه و بویراحمد، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۷۴.
